

تأثیر تعاملات اجتماعی بر اساس فرهنگ حسینی در ارتقاء سلامت اجتماعی

سیدروح‌الله پرهیزکاری

چکیده

هدف: در موضوع سلامت اجتماعی، اختلاف نظرانی وجود دارد و برخی بر مظاهر و امکانات مادی بهداشتی و درمانی به‌عنوان معیار سطح سلامت اجتماعی تأکید دارند و برخی نقش جنبه‌های روانی و نوع رفتار موجود در جامعه را مؤثرتر در سطح سلامت جامعه می‌دانند. در نگاه دوم، چگونگی تعاملات و روابط اجتماعی اعضای جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. مسئله پیش‌رو این است که معارف دینی که عهده‌دار هدایت و سعادت بشری است، چه نسخه‌ای برای بهبود سلامت اجتماعی بر اساس اصلاح رفتار و تعاملات اجتماعی می‌پیچد؟

روش: برای تکمیل طرح کلان، با نگرشی نظام‌مند به معارف اهل‌بیت (ع) در حل مسئله پیش‌رو، یک مرحله مراجعه به سیره نظری و عملی آن حضرات است. در این نوشتار با محور قراردادن یکی از خطب امام حسین (ع) و تحلیل محتوای آن و تطبیق و ریشه‌یابی معارف آن در قرآن مجید، نکاتی برداشت می‌شود که اهتمام به آن‌ها می‌تواند زمینه ارتقاء سطح سلامت اجتماعی را افزایش دهد.

یافته‌ها: نکات ریشه‌ای و اصول بنیادین قابل اکتشاف از فرهنگ و سیره حسینی ناظر به مسأله رفع نیاز دیگران در تعاملات اجتماعی از این قرارند: الف) شتاب و سبقت در نیکی کردن؛ ب) کسب نیک‌نامی و پرهیز از بدنامی؛ ج) نیکی بدون چشم‌داشت؛ د) مثبت‌انگاری مطالبات دیگران؛ ه) تمثیل و تجسم اعمال؛ و) کرامت معزانه و خساست مدلانه؛ ز) رضای الهی.

نتیجه: نهادینه‌سازی این اصول برگرفته از فرهنگ حسینی با توجه به جایگاه اهل‌بیت (ع) در جامعه ایرانی به‌صورت عام و حضرت سیدالشهدا (ع) به‌صورت خاص، ظرفیت بالایی در افزایش و ارتقای سطح سلامت اجتماعی داراست.

واژگان کلیدی: امام حسین (ع)، تعاملات اجتماعی، سلامت اجتماعی، عمل خیر.

بدان مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر يك جز با دیگری امکان ندارد و هیچ‌یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

نیازهایی که بر اساس آن این روابط در سطوح مختلف برقرار می‌شود نیز بسیار گوناگونی بیشتری دارند که از حد شمارش خارج‌اند و در دسته‌ها و طبقات متعددی قابل تقسیم‌اند. مثلاً این نیازها گاهی مالی و اقتصادی است همانند درخواست مساعدت مالی و دریافت تسهیلات، یا علمی و فرهنگی است همانند طلب مشورت یا راهنمایی برای رفع ابهامات ذهنی، یا آگاهی در زمینه مسئله‌ای خاص و یا معنوی و عاطفی است همانند انتظار همدردی و همدلی از دیگران.

رفع نیاز افراد جامعه توسط یکدیگر گاهی آگاهانه و با توجه است و شخص با اراده خود و با علم به آنچه انجام می‌دهد و تبعات و پیامدهای آن برای برآورده ساختن نیاز دیگری اقدام می‌کند و گاهی این‌گونه نیست و اشخاص ممکن است بدون اینکه خود متوجه باشند، اقداماتی انجام دهند که نیازهای دیگران را برطرف کند.

آنچه در این نوشتار بناست به آن پرداخته شود و تأثیر مستقیمی در مسئله سلامت اجتماعی یک جامعه دارد، نوع مواجهه‌ای است که افراد و اعضای یک جامعه به‌صورت آگاهانه با این نیازها و احتیاجات هم‌نوعان و هم‌زیستان خود دارند. نحوه برخورد افراد با مطالباتی که از سوی دیگران مطرح می‌شود، هم در سلامت روانی خود افراد و هم در سلامت معنوی افراد نیازمند و مطالبه‌گر اثرگذار است.

افراد در جوامع مختلف بر اساس نوع جهان‌بینی و شناخت و معرفتی از خالق خود، هستی و سایر مخلوقات و هدف آفرینش و آینده و سرنوشت خود دارند، مواجهه و رفتاری متناسب با آن را در برابر ابراز و اظهار نیاز دیگر انسان‌ها از خود نشان می‌دهند. اشخاصی که دیدگاه ماتریالیستی و مادی‌گرایانه صرف دارند، طبیعی است که روابط خود با دیگران را صرفاً بر اساس منافع

در حوزه سلامت اجتماعی، روی عواملی مانند فقر، نابرابری، جنس، نژاد، قومیت، زبان، اقلیت، محل سکونت، مهاجرت، تحصیلات و سواد بهداشتی، طبقه اجتماعی، مذهب، شغل، درآمد، فعالیت اجتماعی، استرس، اعتیاد، غذا، دسترسی و استفاده از خدمات بهداشتی اولیه، شهرنشینی، حاشیه‌نشینی، خشونت، جهانی‌سازی و مراقبت از سلامت خود و حمایت‌های اجتماعی و سبک زندگی ناشی از این عوامل نقش بسیار بیشتری از عوامل بیولوژیک در سلامت و تندرستی انسان دارند، ولی به علت اینکه اکثر این عوامل درک نشده و به تقاضا تبدیل نمی‌شود، مورد غفلت قرار گرفته است. (۱) اما آنچه شاید از این امکانات و توانمندی‌های مادی در عرصه بهداشتی و درمانی در راستای سلامت اجتماعی مهم‌تر باشد، بعد معنوی در روابط اجتماعی در سطح یک جامعه است.

با شکل‌گیری یک اجتماع بشری، وجود روابط بین افراد و اعضای جامعه اجتناب‌ناپذیر است. اساساً انسان به‌ویژه در جایگاه یک انسان اجتماعی، به‌تنهایی قادر نیست همه نیازهای خود را برطرف نماید و ناگزیر است از دیگر هم‌نوعان خود که در یک جامعه هم‌زیستی دارند، مدد جوید.

بنابراین اصل وجود رابطه اجتماعی و نیاز اعضای جامعه به یکدیگر برای رفع احتیاجاتشان در سطح یک جامعه امری بدیهی و روشن است. حال این روابط ممکن است سطوح مختلفی داشته باشند همان‌گونه که احتیاجات افراد و اعضای جامعه به یکدیگر، بسیار گوناگون است. روابط گاهی بین افراد هم‌سطح در یک جامعه است و گاهی بین حکومت و حاکمیت و آحاد جامعه و همچنین گاهی بین صنف و گروهی از اقشار جامعه این روابط برقرار می‌شود. همان‌طور که قرن‌ها پیش امیرالمؤمنین (ع) در نگاهی جامعه‌شناختی، افراد جامعه را به طبقات مختلف تقسیم کرده و کارکرد هر گروه و صنف را برای جامعه بیان فرمودند و در نامه مشهور به عهدنامه مالک اشتر چنین نگاشتند که: ای مالک

تأثیر تعاملات اجتماعی بر اساس فرهنگ حسینی ...

مادی و زودگذر دنیا می‌سجند و تنظیم می‌کنند. برای مثال در یک جامعه که نظام اقتصادی سرمایه‌داری و کاپیتالیسمی بر نهادها و تشکیلات اقتصادی آن حاکم است، فعالیت اقتصادی و تولید باهدف کسب سود صورت می‌گیرد و رفع نیازهای همزیستان در جامعه مدنظر نیست. درواقع به احتیاجات دیگران با نگاه صرفاً مادی گرایانه می‌شود.

هرگاه اعضای جامعه چنین مواجهه‌ای با اظهار نیاز دیگران داشته باشند، در این شرایط انسان‌های نیازمند نیز احساس خوبی نسبت به افرادی که نیاز آن‌ها را برطرف می‌کنند پیدا نخواهند کرد، هرچند در ظاهر این افراد نیاز آن‌ها را برطرف ساخته‌اند و تلاش خواهند کرد هرگاه قدرت لازم را پیدا کردند، انتقام این شکل از برخورد را از آن اشخاص و سایر افراد جامعه بگیرند و درنتیجه همه افراد جامعه قربانی این بیماری مسری خواهند شد و ازآنجاکه روابط اجتماعی و احتیاجات اعضای جامعه به یکدیگر همواره وجود خواهد داشت و رو به افزایش است، چنین جامعه‌ای هرروز بیشتر رو به سقوط خواهد رفت و این بیماری همه‌گیر و خطرناک بیشتر در آن گسترش پیدا می‌کند و سلامت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد.

پیشینه پژوهش

حوزه سلامت معنوی و سلامت اجتماعی از حوزه‌های مطالعاتی میان‌رشته‌ای است که با این رویکرد عمر طولانی و چندانی در ایران ندارد. ازاین‌رو اثر مستقلی در ارتباط با این مسأله خاص یعنی ارتقای سطح سلامت اجتماعی بر اساس سیره و فرهنگ حسینی، یافت نشد. البته در مقاله‌ای «مبانی تربیت و تعالی انسان در گفتمان حسینی» که در دوره ششم، شماره سوم (پاییز ۱۴۰۱) مجله سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت منتشرشده است، همان‌طور که از عنوان نیز روشن است مربوط به حوزه فردی است و نه اجتماعی. علاوه بر اینکه متمرکز بر عملکرد امام حسین (ع) در روز عاشورا است و

لذا متن چند مقتل را مبنای کار قرارداده است؛ بنابراین پردازش این مسأله خاص، پژوهش حاضر را بدیع و نوآورانه ساخته است. تنها یک همایش بین‌المللی با عنوان «امام حسین علیه‌السلام و سلامت» در شهریور سال ۱۴۰۱ توسط دانشگاه علوم پزشکی ایران با همکاری برخی دانشگاه‌ها و مراکز علمی داخلی و خارجی برگزارشده که یکی از محورهای دوازده‌گانه آن «امام حسین (ع) و سلامت اجتماعی» بوده است. از میان مقالات دریافتی همایش تنها سی مقاله به‌صورت سخنرانی و ۲۵ مقاله به‌صورت پوستر پذیرفته شد که مقاله پیش‌رو از میان آن مقالات، مربوط به حوزه سلامت اجتماعی بود و به‌صورت سخنرانی پذیرفته شد.

روش

در پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوا یکی از خطب سیدالشهدا امام حسین علیه‌السلام به‌عنوان نمونه‌ای از سیره نظری ایشان که بیانگر منظومه فکری و فرهنگی آن حضرت در موضوع موردپژوهش است، محور قرارگرفته و جهت استحکام نتایج، به مطالعه تطبیقی و ریشه‌یابی معارف برخاسته از آن در قرآن کریم نیز توجه شده است.

متن روایت

این سنت الهی است که برای هر قوم و جامعه‌ای، بیم‌دهنده‌ای را ارسال کرده است (فاطر / ۲۴) و این سنت همواره جاری است و همان‌طور که به امر الهی، حضرت محمد مصطفی (ص) به‌عنوان پیامبر خاتم مبعوث گردید و خط امامت پس از رحلت ایشان تاکنون، استمرار این سنت الهی در جامعه بشری است و اهل‌بیت (ع) عهده‌دار این مسئولیت بوده و هستند.

یکی از ابعادی که همواره در معارف اهل‌بیت (ع) به‌عنوان مبشران و منذران امت، موردتوجه بوده است، شئون اجتماعی

است. با استفاده از آموزه‌های غنی و عمیق، فراوان و ارزشمندی که از حضرات معصومین (ع) بجای مانده، می‌توان اصول و نظامات یک اجتماع سالم و پویا را ترسیم نمود همان‌طور که خالق مهربان چنین مقدر ساخته است.

از این‌رو در سیره نظری و عملی اهل‌بیت (ع) و از میان انبوه سخنان ارزشمند و رفتارهای سنجیده ایشان روی یکی از سخنان سیدالشهدا (ع) که در ارتباط با موضوع این نوشتار یعنی سلامت اجتماعی است متمرکز می‌شویم.

وَ خَطَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ، وَ سَارِعُوا فِي الْمَغَانِمِ (وَ لَا تَحْتَسِبُوا بِمِعْرُوفٍ لِمَ تَعَجَّلُوهُ، وَ اكْتَسِبُوا الْجَمِدَ بِالنَّجْحِ، وَ لَا تَكْتَسِبُوا بِالْمِطْلِ ذِمًّا، فَمَهْمَا يَكُنْ لِأَحَدٍ عِنْدَ أَحَدٍ صَنِيعَةٌ لَهُ رَأَى أَنَّهُ لَا يَقُومُ بِشُكْرِهَا فَالِلَّهِ لَهُ بِمَكَافَاتِهِ، فَانَّهُ أَجْزَلُ عَطَاءٍ وَ أَعْظَمُ أَجْرًا.

[و] اَعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمْلُوا النِّعَمَ فَتَجُوزُوا نِقْمًا، وَ اَعْلَمُوا أَنَّ الْمِعْرُوفَ يَكْسِبُ حِمْدًا، وَ يُعْقِبُ أَجْرًا، فَلَوْ رَأَيْتُمُ الْمِعْرُوفَ رَجُلًا رَأَيْتُمُوهُ حَسَنًا جَمِيلًا يَسُرُّ النَّاطِرِينَ وَ يَفُوقُ الْعَالَمِينَ، وَ لَوْ رَأَيْتُمُ اللَّؤْمُ رَجُلًا رَأَيْتُمُوهُ سَمِجًا مَشُوهًا تَتَنَفَّرُ مِنْهُ الْقُلُوبُ وَ تَغْضُ دُونَهُ الْإِنْبَارُ. أَيُّهَا النَّاسُ مِنْ جَادِ سَادٍ، وَ مِنْ بَخْلِ رَذَلٍ، وَ إِنَّ أَجُودَ النَّاسِ مَنْ أُعْطِيَ مِنْ لَا يَرْجُوهُ، وَ إِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عِنْدَ قُدْرَتِهِ، وَ إِنَّ أَوْصَلَ النَّاسِ مَنْ وَصَلَ مِنْ قِطْعَةٍ وَ الْأَصُولُ عَلَى مَغَارِسِهَا، بَفِرْعَوِهَا تَسْمُو.

فَمِنْ تَعَجَّلَ لِأَخِيهِ خَيْرًا وَ جَدَّ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ غَدًا، وَ مِنْ أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِالصَّنِيعَةِ إِلَى أَخِيهِ كَأَفَاهُ بِهَا فِي كُلِّ وَقْتٍ حَاجَةً وَ صَرَفَ عَنِهِ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا مَا هُوَ أَكْثَرُ مِنْهَا، وَ مِنْ نَفَسٍ كَرْبَةٍ مَوْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ عَنِهِ كَرْبَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنْ أَجْسَنَ أَجْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْإِجْسِنِينَ. (۸-۳)

امام حسین (ع) خطبه خواندند و فرمودند: «ای مردمان رغبت و رقابت نمایید در مکارم و بشتابید در مغنم (ثمرات بالرزش روحی و معنوی)، کار نیکی را که در آن سرعت ندارید، به حساب نیاورید، با ظفر و موفقیت در به پایان رساندن کار

(نیک)، ستایش و تمجید برای خود بیافرینید و با سستی و کندي زمينه سرزنش و مذمت خود را فراهم نکنید و هرگاه یکی با یکی نیکوئی کرده و می‌بیند که آن فرد سپاسگزاری نمی‌نماید، خداوند سبحان عوض نیکی او را خواهد داد، چون بخشش خداوند فراوان‌تر و سرشارتر و مزدش بزرگ‌تر است.

و بدانید که حوائج مردم به شما نعمتی است از نعمت‌های حق بر شما؛ پس با این نیازمندی‌ها با ملال و خستگی مواجه نشوید تا آن نعمت‌ها به مکافات تبدیل نشوند؛ و بدانید که کارهای خوب و پسندیده، ستایش و تحسین را در بردارد و اجر و پاداش نیک به دنبال دارد؛ و اگر شما خوبی و پسندیدگی را به‌صورت یک شخص مجسم می‌دیدید، هرآینه آن را به‌صورت انسانی نیکو و زیباروی می‌دیدید، که برای نظاره‌کنندگان بهجت بخش و مسرت‌آمیز است و اگر شما بدی و نکوهیدگی را به‌صورت انسانی مجسم می‌دیدید، هرآینه آن را به‌صورت شخصی زشت و نازیبا می‌یافتید که دل‌ها از دیدن او تنفر دارد و در برابر آن چشم‌ها و نگاه‌ها به زیر می‌آمد که او را نبینند.

ای مردم! کسی که جود و بخشش کند عزیز و بزرگ می‌شود و کسی که بخل ورزد، پست و ذلیل می‌شود؛ و بخشنده‌ترین مردم آن کسی است که ببخشد به کسی که امید نداشته باشد که او آن جود را تلافی کند و با گذشت‌ترین مردم کسی است که باوجود قدرت و توانایی بر انتقام عفو کند و قوی‌ترین فرد در ایجاد ارتباط، کسی است که با افرادی که با او بریده‌اند بپیوندد. تنه درختان باوجود اتکای آن‌ها به ریشه‌های خود، به‌واسطه شاخه‌ها بالا می‌روند و رشد می‌کنند.

پس هرکس برای رسانیدن خیری به برادرش شتاب ورزد، فردا که بر آن وارد می‌شود آن خیر را خواهد یافت؛ و کسی که در احسانی که به برادرش کرده است خدا را در نظر داشته و برای رضای او انجام داده است، خداوند در وقت نیازمندی او، آن خیر را به او می‌رساند؛ و بیشتر از آن مقدار، از بلاهای دنیا را از او می‌گرداند و دور می‌کند؛ و کسی که غم و اندوه مؤمنی را



بزداید، خداوند غم و غصه‌های دنیا و آخرت را از او می‌گرداند؛ و کسی که نیکویی کند، خداوند به او نیکویی می‌کند و البته خداوند نیکوکاران را دوست دارد».

بحث روایی

کهن‌ترین منبع روایی مکتوب که این خطبه سیدالشهدا (ع) را با این تفصیل نقل کرده، کتاب نزهة الناظر و تنبیه الخاطر متعلق به قرن پنجم هجری است. این کتاب حاوی مجموعه‌ای از سخنان حکمت‌آمیز پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در موضوعات گوناگون است که مؤلف کتاب، ابوعبدالله الحسین بن محمد بن الحسن بن نصر الحلوانی برای رعایت اختصار در کتاب، اسناد روایات را حذف کرده است. البته برخی جوامع حدیثی و منابع دیگر و در قرون بعدی این خطبه را به صورت مفصل یا مختصر نقل کرده‌اند، برخی با ذکر منبع اصلی و برخی بدون منبع که در متن حاضر به برخی از آن‌ها در پایان متن عربی روایت ارجاع داده شد؛ اما همگی در حذف سند مشترک هستند و تقریباً با تبعی که صورت گرفت، منبعی یافت نشد که خطبه را همراه با سلسله روات و سند ذکر کرده باشد. لازم به ذکر است محققین و مصححین منابع روایی در اعتبار این روایت اشکالی وارد نکرده‌اند. با توجه به شرایط انتقال و گذر از دوره غلبه سنت شفاهی به دوره غلبه سنت مکتوب در عرصه حدیث تا حدودی این اشکال قابل اغماض است که بحث مفصل در این زمینه مقتضی مقاله مستقلی است.

تحلیل روایت

برای استخراج این اصول و نظامات، لازم است با یک نگرش سیستمی و کلان و یکپارچه به معارف دینی توجه شود تا کارکرد آن در ساخت و توسعه یک جامعه سالم کشف گردد؛ زیرا نگاه جزئی و تک‌بعدی به معارف دینی، آسیب و صدمه بسیاری را ایجاد می‌کند که بسیار بیشتر از خطر گرایش‌های بی‌دینی و

ضد دینی است. از طرفی برای انجام هر پژوهش کلانی نیز لاجرم می‌بایست داده‌های جزئی و خرد را بررسی و حاصل تحلیل‌های ریز را در بررسی‌های کلان مورد استفاده قرارداد. علاوه بر اینکه محدودیت‌های شکلی پژوهش حاضر نیز مقتضی است به صورت جزئی وارد بحث شد و امیداست تکمیل‌کننده گوشه‌ای از پروژه‌ای کلان باشد.

شتاب و سبقت در نیکی کردن

«ای مردمان رغبت و رقابت نمایید در مکارم و بشتابید در مغانم (ثمرات باارزش روحی و معنوی)، کار نیکی را که در آن سرعت ندارید، به حساب نیاورید...» در این فراز امام حسین (ع) مردم را به تعجیل و سرعت در انجام کار خیر و رقابت در تسریع انجام خیر تشویق می‌کنند تا جائیکه می‌فرمایند اصلاً کار خیری را که در آن تسریع ندارید، محاسبه نکنید. این فرمایش حضرت برگرفته از فرهنگ قرآنی نیست که در آیه ۴۸ سوره مائده (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ) می‌فرماید بحث‌های بیهوده را رها کنید و توجه و عنایت شما به انجام کارهای خیر باشد و به جای رقابت و سبقت در امور مادی، در کارهای خیر از دیگران سبقت‌گیرید.

همچنین در آیات ۵۷ تا ۶۰ سوره مؤمنون ابتدا مؤمنان را به چهار صفت توصیف می‌کند که خدا ترسند (إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ مَشْفِقُونَ)، به آیات الهی ایمان دارند (وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ)، به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند (وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ)، تمام تلاش خود را در اطاعت اوامر الهی بکار می‌گیرند با این حال از عاقبت خود نگران هستند (وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقَلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ)، بعد از شرح این صفات چهارگانه در آیه ۶۱ می‌فرماید: «چنین کسانی در خیرات تسریع می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند» (أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ)

آیات فوق ترسیم جالب و تنظیم کاملی برای بیان

صفات این گروه از مؤمنان پیشگام است، نخست از ترس آمیخته با احترام و تعظیم که انگیزه ایمان به پروردگار و نفی هرگونه شرك است شروع کرده و به ایمان به معاد و دادگاه عدل خدا که موجب احساس مسئولیت و انگیزه هر کار نیک است منتهی می‌گردد و مجموعاً چهار ویژگی و یک نتیجه را بیان می‌کند؛ یعنی وضع حال مؤمنان است که در یک مسابقه به‌سوی مقصدی بزرگ و پرازش انجام می‌شود و مشخص می‌کند و نشان می‌دهد آن‌ها چگونه در برنامه اعمال صالح با یکدیگر رقابت سازنده و مسابقه بی‌وقفه دارند. (۹)

در جامعه‌ای که فرهنگ حسینی حاکم شود، اعضای جامعه در انجام نیکی با یکدیگر رقابت می‌کنند، نه بر سر تصاحب اموال و رسیدن به پست و مقام. این فرهنگ از خانواده که کوچک‌ترین واحد اجتماعی است باید نهادینه شود تا در واحدهای بزرگ‌تر همچون یک خاندان یا خانواده بزرگ، کلاس و مدرسه و دانشگاه، سازمان و تشکیلات گسترده ملی و نهایتاً کل جامعه راتثبیت شود؛ و چقدر تفاوت است بین جامعه‌ای که رقابت در آن بر سر نیکی و خوبی رساندن به یکدیگر باشد تا جامعه‌ای که رقابت در آن برای تضعیف و حذف یکدیگر باشد آن‌هم برای منابع محدود و زودگذر دنیوی و قطعاً جامعه‌ای که این فرهنگ حسینی در آن حاکم است سرشار نشاط و سلامتی خواهد بود و زمینه بسیاری از بیماری‌های روحی و روانی از بین خواهد رفت.

کسب نیک‌نامی و پرهیز از بدنامی

«... با ظفر و موفقیت در به پایان رساندن کار (نیک)، ستایش و تمجید برای خود بیافرینید و با سستی و کندی زمینه سرزنش و مذمت خود را فراهم نکنید...». سیدالشهدا (ع) پس از توصیه به تعجیل و تسریع در انجام امور خیر، بر کسب نام نیک و پرهیز از بدنامی تأکید می‌کنند. این توصیه نیز منشأ قرآنی دارد، در آیه ۸۴ سوره شعراء که حضرت ابراهیم (ع) پیامبر بزرگ الهی نیز از خداوند ذکر خیر خود در میان دیگران را طلب می‌فرمایند.

(شعراء/ ۸۴) امام حسین (ع) اتمام و تکمیل امور خیر را زمینه‌ساز کسب نام نیک و تمجید دیگران و اجتناب از تنبلی و کاهلی در انجام امور را موجب بدنامی و مذمت دیگران بیان می‌کنند؛ زیرا بازتاب اجتماعی این موضوع چنین است که با تکمیل امور خیر، مردم از فرد نیکوکار به نیکی یاد کرده و از او ستایش می‌کنند، همان‌طور که از اشخاصی که در تکمیل و اتمام کارها سستی ورزیده‌اند به بدی یاد کرده و آن‌ها را نکوهش می‌کنند. این مسئله در ادبیات ما نیز انعکاس یافته است، جائیکه سعدی شیرازی چنین می‌نویسد: «مردم بی خیر در زندگانی مرده‌اند و نیکوکاران بمیرند و نام نیکو زنده ماند» (۱۰) و همچنین می‌سراید:

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز

مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

انسان‌های خوب هیچ‌گاه نمی‌میرند، حتی زمانی که از دنیا بروند، یادشان زنده است و نامشان بلندآوازه است. از طرف دیگر، مرده واقعی کسی است که طوری زندگی کند که مردم هیچ‌گاه از او به نکویی یاد نکنند.

نیکی بدون چشم‌داشت

«... و هرگاه یکی با یکی نیکویی کرده و می‌بیند که آن فرد سپاسگزاری نمی‌نماید، خداوند سبحان عوض نیکی او را خواهد داد، چون بخشش خداوند فراوان‌تر و سرشارتر و مزدش بزرگ‌تر است...»

در این فراز از خطبه اباعبدالله الحسین (ع) بر این نکته تأکید می‌کنند که در خیر و خوبی رساندن به دیگران، توقع سپاس‌گزاری نداشته باشید و توجه و امیدتان به لطف و بخشش الهی باشد که بسیار بهتر و شایسته‌تر است. چنانچه در بخش دیگری از همین خطبه، چنین فردی که بدون چشم‌داشت به جبران و تلافی کار خیر به دیگران خوبی کند را اجود الناس معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «بخشنده‌ترین مردم آن کسی است که ببخشد به کسی که امید نداشته باشد که او آن جود

تأثیر تعاملات اجتماعی بر اساس فرهنگ حسینی ...

را تلافی کند». این فرهنگ فرهیخته در قالب ضرب‌المثل در ادبیات فاخر فارسی نیز راه‌یافته است: «تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز»؛ که به معنای نیکی کردن به دیگران، بی‌چشمداشت از آنان است، چراکه بازگشت این نیکی و احسان در نهایت به خود فرد است.

البته در فرهنگ و معارف اسلامی بر اهتمام به جبران خوبی دیگران تأکید شده و حتی تلافی به میزان بیشتر و بهتر، مستحب شمرده شده است همانند برخی آیات قرآن (ابراهیم/۷) و روایات معصومین (۱۱) و حتی ادبیات غنی اسلامی [شکر نعمت نعمت افزون کند؛ کفر نعمت از کف بیرون کند] که به این موضوع اشارت دارند، اما از طرف دیگر توقع و مطالبه جبران نیکی نیز مکروه شمرده شده است (۱۲) و تشویق به کوچک دانستن و پنهان کردن کار خیر خود شده است. (۱۳)

مثبت‌انگاری مطالبات دیگران

«... و بدانید که حوائج مردم به شما نعمتی است از نعمت‌های حق بر شما؛ پس با این نیازمندی‌ها با ملال و خستگی مواجه نشوید تا آن نعمت‌ها به نعمت تبدیل نشوند؛ و بدانید که کارهای خوب و پسندیده، ستایش و تحسین را در بردارد و اجر و پاداش نیک به دنبال دارد...»

افراد کوتاه‌نظر و دارای جهان‌بینی مادی، در برابر اظهار نیاز و مطالبات دیگران و اطرافیان خود، احساس ملال و ناخوشایندی دارند، زیرا از نگاه آن‌ها رفع حاجات دیگران، خسارت و زیان و یا حداقل سود کمتر را نصیب آن‌ها خواهد کرد، مگر آنکه در رفع نیاز دیگران کاملاً منافع شخصی خود را لحاظ کنند و به‌گونه‌ای اقدام کنند که حداکثر سود و منفعت را ببرند که در این حالت دیگر رفع نیاز دیگران نکرده‌اند بلکه از نیاز آن‌ها سوءاستفاده کرده و بر ثروت و اندوخته ظاهری خود افزوده‌اند و طبیعی است که دیگران نیز نسبت به آن‌ها بدبین

شده و در فرصت مناسب، چنین رفتاری را تلافی خواهند کرد و جامعه‌ای متشنج ایجاد خواهد شد.

اما امام حسین (ع) در این فراز از خطبه، بنا دارند نگاه اعضای جامعه را بلند و وسیع کرده و توجه آن‌ها را به ورای این اقدام و پیامد و نتایج مثبت آن جلب کنند که در دنیا نیک‌نامی و ستایش مخلوقات و در سرای جاویدان و زندگی ابدی آخرت، اجر و پاداش فراوان الهی را به دنبال دارد؛ زیرا اگر افراد این نگاه عمیق و مثبت را داشتند که این مطالبات و اظهار نیازها از طرف دیگران در حقیقت فرصت‌ها و نعمت‌هایی است که خداوند مهربان برای رشد و تعالی بندگانش فراهم کرده است نه تنها از طرد آن‌ها پرهیز می‌کردند بلکه در رفع آن‌ها و انجام خیر بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند.

برخورد منفی با این حوائج، این فرصت‌ها و نعمت‌ها را تبدیل به نعمت می‌کند و غیر از عواقب شومی که در آخرت به دنبال دارد، در دنیا و زندگی اجتماعی امروز هم زمینه‌ساز ضروری همانند شکاف و فاصله اجتماعی و ایجاد حس رقابت منفی و مخرب بین اعضای جامعه می‌شود که به شدت هم مسری و دامنه‌گیر است. البته این‌گونه افراد برای عملکرد نادرست خود، توجیهاتی واهی هم بیان می‌کنند که در قرآن کریم نیز به آن‌ها اشاره شده است. همانند آیه ۴۷ سوره یس که خداوند زبان کفار را در توجیه رد حوائج نیازمندان بیان می‌فرماید: و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید!»، کافران به مؤمنان می‌گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست او را اطعام می‌کرد؟! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد)، شما فقط در گمراهی آشکارید!» (یس/۴۷)

این همان منطق بسیار عوامانه‌ای است که در هر عصر و زمان از ناحیه افراد خودخواه و بخیل مطرح می‌شود که می‌گویند: اگر فلانی فقیر است لابد کاری کرده که خدا می‌خواهد فقیر بماند و اگر ما غنی هستیم لابد عملی انجام

داده‌ایم که مشمول لطف خدا شده‌ایم، بنابراین نه فقر آن‌ها و نه غنای ما هیچ‌کدام بی‌حکمت نیست! غافل از اینکه جهان میدان آزمایش و امتحان است، خداوند یکی را با تنگدستی آزمایش می‌کند و دیگری را با غنا و ثروت و گاه يك انسان را در دو زمان با این دو در بوته امتحان قرار می‌دهد که آیا به هنگام فقر امانت و مناعت طبع و مراتب شکرگزاری را بجا می‌آورد؟ یا همه را زیر پا می‌گذارد؟ و به هنگام غنا از آنچه در اختیار دارد در راه او انفاق می‌کند یا نه؟ (۹)

در این جواب مغلطه‌آمیز بین اراده تشریعی خدا و اراده تکوینی‌اش خلط کرده‌اند و این مغالطه‌ای است که به‌طور کلی همه سنت‌های وثنیت و بت‌پرستی بر پایه آن، بنانهاده شده‌اند، هم چنان‌که خدای سبحان از ایشان حکایت کرده و فرموده: «وَقَالَ الَّذِينَ أُشْرِكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ» (نحل/۳۵) و نیز فرموده: «سَيَقُولُ الَّذِينَ أُشْرِكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أُشْرِكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ» (انعام/۱۴۸) و نیز فرموده: «وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ». (زخرف / ۲۰)

تمثیل و تجسم اعمال

«... و اگر شما خوبی و پسندیدگی را به‌صورت یک شخص مجسم می‌دیدید، هرآینه آن را به‌صورت انسانی نیکو و زیباروی می‌دیدید، که برای نظاره‌کنندگان بهجت بخش و مسرت‌آمیز است و اگر شما بدی و نکوهیدگی را به‌صورت انسانی مجسم می‌دیدید، هرآینه آن را به‌صورت شخصی زشت و نازیبا می‌یافتید که دل‌ها از دیدن او تنفر دارد و در برابر آن چشم‌ها و نگاه‌ها به زیر می‌آمد که او را نبینند...»

امام (ع) برای همراه ساختن و تشویق افرادی که در برابر خواسته‌های هم‌نوعان خود در جامعه احساس ملال و در انجام خیر کوتاهی می‌کنند، آن‌ها را به تجسم اعمال خیر و شر توجه می‌دهند. روشی که در هدایت انسان به‌عنوان موجودی مادی

و تجسم‌گرا، بسیار کاربرد دارد و قرآن مجید نیز از این روش و تمثیل برای هدایت بشر بهره برده است؛ مانند آنکه در آیه ۱۲ سوره حجرات، فرد بدگو و غیبت‌کننده را به فردی تشبیه می‌کند که گوشت برادر مرده خود را می‌خورد و این درواقع حقیقت این عمل زشت و مشمئزکننده است (حجرات/۱۲) و یا تشبیه افراد انفاق‌کننده به دانه‌های پربرکت در آیه ۲۶۱ سوره بقره.

کرامت معزانه و خساست مدلانه

«ای مردم! کسی که جود و بخشش کند عزیز و بزرگ می‌شود و کسی که بخل ورزد، پست و ذلیل می‌شود؛ و بخشنده‌ترین مردم آن کسی است که ببخشد به کسی که امید نداشته باشد که او آن جود را تلافی کند و با گذشت‌ترین مردم کسی است که باوجود قدرت و توانایی بر انتقام عفو کند و قوی‌ترین فرد در ایجاد ارتباط، کسی است که با افرادی که با او بریده‌اند پیبوند. تنه درختان باوجود اتکالی آن‌ها به ریشه‌های خود، به‌واسطه شاخه‌ها بالا می‌روند و رشد می‌کنند»

برخی از رفتارهای اجتماعی بیانگر بینش و نگرش افراد است. هراندازه بخل نشانه پستی و حقارت و ضعف ایمان و فقدان شخصیت است، جود و بخشش نشانه ایمان و شخصیت والای انسان است. درواقع فرد با بخشش، شخصیت خود را تکریم و کمال بخشیده و با بخل، خود را تحقیر و تضعیف کرده است. حضرت امام حسین (ع) با اشاره به این نکته که نتیجه جود و سخاوت، عزت و ماحصل بخل‌ورزی، ذلت است، به معرفی ویژگی افرادی می‌پردازند که نهایت درجه جود و عفو و بزرگواری را دارند.

جوادترین افراد جامعه

ایشان جوادترین اشخاص را فردی می‌دانند که بدون آنکه امید و چشم‌داشتی به جبران نیکی خود داشته باشد به فردی

تأثیر تعاملات اجتماعی بر اساس فرهنگ حسینی ...

خوبی کند. همان طور که گذشت لازمه ادب و مروت جبران نیکی دیگران است اما اگر نبود امید به جبران، بسیاری از اعضای جامعه، انگیزه‌ای برای بخشش نداشتند. حال در این شرایط اگر فردی جود و کرم داشته باشد باعث شگفتی است و نشان گر اوج بخشش و کرامت وی. البته گاهی افرادی سطح بخشش خود را چنان تنزل می‌دهند که صرفاً برای ریا و تحسین مردم بخشش می‌کنند و در آیه ۲۶۴ سوره بقره این افراد نکوهش شده و عمل آن را بی‌ثمر خوانده است و چنین توصیف می‌کند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی‌آورد؛ (کار او) همچون قطعه‌سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذریه‌ای در آن افشاندن شود)؛ و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاک‌ها و بذرها را بشوید) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آن‌ها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند. (بقره/۲۶۴)

بخشنده‌ترین افراد جامعه

امام (ع) بخشنده‌ترین فرد را کسی معرفی می‌کند که در اوج قدرت، عفو و گذشت می‌کند؛ زیرا در روابط اجتماعی اگر انسان قدرت بر انتقام داشته باشد و گذشت کند، قابل توجه است و الا اگر فرد در موضع ضعف باشد و قدرت مقابله نداشته باشد و اظهار کند که بخشیدم و گذشتم، نشانگر بخشنده بودن وی نیست. این فرهنگ گذشت در هنگام قدرت، ریشه قرآنی دارد که در آیه ۴۰ سوره شوری می‌فرماید: «کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست؛ خداوند ظالمان را دوست ندارد!» (شوری/۴۰) همچنین در ادبیات فاخر فارسی نیز منعکس شده است جاییکه سعدی شیرازی چنین می‌سراید:

چو بر دشمنی باشد دسترس
مرنجانش کاو را همین غصه بس (۱۰)

قوی‌ترین افراد جامعه

در ادامه خطبه، حضرت سیدالشهدا (ع)، قوی‌ترین فرد در برقراری اتصال و ارتباط با سایرین را شخصی می‌داند که با افرادی که با او قطع ارتباط کرده‌اند مرتبط شود و در واقع بدی را با خوبی پاسخ دهد. این توصیه حضرت نیز ریشه قرآنی دارد و در آیاتی متعددی (رعد/۲۲ و قصص/۵۴) به آن اشاره شده است. همانند آیه ۳۴ سوره فصلت: «هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است!» (فصلت/۳۴) در آیه بعد قرآن اذعان دارد که پیمودن این راه و روش کار آسانی نیست و هرکسی توان پیمودن آن را ندارد و می‌فرماید: «اما جز کسانی که دارای صبر و استقامت‌اند به این مقام نمی‌رسند و جز کسانی که بهره عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند به آن نائل نمی‌گردند!» (فصلت/۳۵) یعنی همان طور که امام حسین (ع) فرمودند فقط افراد قوی که بر نفس خود غالب‌اند، چنین توانایی دارند.

در آخر این فراز از خطبه، امام (ع) با استفاده از روش تمثیل، به بیان تشبیه پرداخته و انسان را به تنه درختی تشبیه می‌کنند که از طریق نیکی به دیگران، شاخه‌هایش رشد می‌کند و بالا و بالاتر می‌رود و تبدیل به درختی سربلند می‌شود.

رضای الهی

«پس هرکس برای رسانیدن خیری به برادرش شتاب ورزد، فردا که بر آن وارد می‌شود آن خیر را خواهد یافت؛ و کسی که در احسانی که به برادرش کرده است خدا را در نظر داشته و برای رضای او انجام داده است، خداوند در وقت نیازمندی او، آن خیر را به او می‌رساند؛ و بیشتر از آن مقدار، از بلاهای دنیا را از او می‌گرداند و دور می‌کند؛ و کسی که غم و اندوه مؤمنی را بزدايد،

خداوند غم و غصه‌های دنیا و آخرت را از او می‌گردانند؛ و کسی که نیکویی کند، خداوند به او نیکویی می‌کند و البته خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»

در فراز پایانی خطبه امام حسین (ع)، خلاصه و عصاره فرمایش و سخنان خود را بیان می‌فرماید؛ یعنی توجه به رضای الهی در ارتباط دیگران و نیکی رساندن به آنان. اولاً دوباره بر تعجیل و شتاب در خوبی رساندن به دیگران تأکید می‌کنند و اینکه بدون توقع جبران از طرف دیگران به امید پاداش فراوانی باشد که در انتظار او خواهد بود و ثانیاً با خدا معامله کرده و با این عمل درصد کسب رضای الهی باشند که در این صورت خدای بزرگ و مهربان به نحو شایسته‌تری عمل انسان خیر را جبران خواهد کرد و چنین افرادی در زمره اولیاء‌الله و دوستان خدا هستند. (بقره/۱۹۵)

نتیجه

بس روشن است که نوع تعامل اعضای جامعه با یکدیگر و مواجهه آنان با نیازهای دیگران می‌تواند در سلامت معنوی و حتی جسمی اعضای جامعه اثر گذارد؛ یعنی هم این قابلیت را دارد که باعث تقویت سلامت اجتماعی شود و هم می‌تواند زمینه دشمنی و آشفتگی روانی افراد و به دنبال آن، بیماری و ناتوانی جامعه را فراهم سازد. نحوه مواجهه افراد با دیگر اعضای جامعه ناشی از نگاه و اندیشه حاکم بر آنهاست و همان‌طور که بیان شد یکی از ابعادی که همواره در معارف اهل‌بیت (ع) به‌عنوان مبشران و منذران امت، موردتوجه بوده است، شئون اجتماعی است. با استفاده از آموزه‌های غنی و عمیق، فراوان و ارزشمندی که از حضرات معصومین (ع) بجای مانده، می‌توان اصول و نظامات یک اجتماع سالم و پویا را ترسیم نمود همان‌طور که خداوند نیز چنین مأموریتی برای آن حضرات معین کرده است.

در این نوشتار پس از تصریح به‌ضرورت نگرش سیستمی و

کلان و یکپارچه به معارف دینی برای استخراج اصول و نظامات از سیره اهل‌بیت (ع)، بنا بر اقتضات پژوهش حاضر روی یکی از خطب حضرت امام حسین (ع) متمرکز شدیم و پس از تحلیل متن خطبه و تطبیق و ریشه‌یابی معارف طرح‌شده در آن با قرآن مجید نکاتی از این فرمایش امام (ع) برداشت شد که اگر در یک جامعه نهادینه شود و به‌صورت فرهنگ و سبک زندگی درآید و بر روابط اجتماعی افراد و اعضای جامعه حاکم گردد، بسیار می‌تواند در ارتقاء سطح سلامت اجتماعی اثرگذار باشد و جامعه را در برابر برخی آسیب‌ها و صدمات بیمه نماید:

الف) شتاب و سبقت در نیکی کردن

شتاب در انجام عمل خیر، نکته‌ای است که در چند بخش از این خطبه بسیار بر آن تأکید شده تا جائیکه عمل خیری که در آن تعجیل نشده را به‌حساب نیاورده و از طرفی در سایر منابع معارف اسلامی همانند قرآن نیز بر آن تأکید شده است. در کنار آن ایجاد حس رقابت در میان افراد جامعه در امر خیر و نیکی رساندن به دیگران مورد اشاره امام (ع) قرار گرفته است.

ب) کسب نیک‌نامی و پرهیز از بدنامی

امام حسین (ع) عمل خیر و یاری‌رساندن به دیگران را موجب نیک‌نامی و زنده ماندن نام افراد با ذکر خیر و ستایش دانسته همان‌طور که در جهت عکس آن بی‌توجهی به امور خیر و سستی در یاری‌رساندن و سخت و تنگ گرفتن بر دیگران سبب بدنامی انسان و بدگویی از او می‌شود.

ج) نیکی بدون چشم‌داشت

حضرت سیدالشهدا (ع) بر انجام عمل خیر بدون منت و توقع جبران عمل تأکید می‌کنند؛ یعنی افراد بدون محاسبات دنیوی مرسوم و در نظر گرفتن سطح و آینده روابط نسبت به دیگران محبت کرده و حوائج آنها را برطرف کنند.

د) مثبت‌انگاری مطالبات دیگران

یکی از نکاتی که بسیار بر ارتقاء سلامت اجتماعی اثرگذار است نوع نگرش ما به مطالبات دیگران و مواجهه با آنهاست. امام

تأثیر تعاملات اجتماعی بر اساس فرهنگ حسینی ...

حسین (ع) به افراد توصیه می‌کنند که نسبت به اظهار نیاز دیگران دید مثبت داشته و آن‌ها را سختی و موجب زحمت ندانسته بلکه فرصت‌ها و نعمت‌هایی الهی بدانند که زمینه‌ساز رشد و تعالی است.

ه) تمثیل و تجسم اعمال

در بخش‌هایی از خطبه امام حسین (ع) با توجه به روحیه مادی و تجسم‌گرایی انسان مانند روش هدایتی قرآن کریم از روش تمثیل استفاده کرده و به توصیف اعمال خیر و شر در قالب مثال می‌پردازند که در ترغیب و تشویق مخاطبین بسیار مؤثر است.

و) کرامت معزانه و خساست مدلانه

امام حسین (ع) نیکی رساندن افراد به دیگران را سبب عزتمندی آن‌ها در اجتماع می‌دانند، همان‌طور که بخل و عدم یاری‌رسانی اشخاص توانمند نسبت به نیازمندان را موجب ذلت آن‌ها در جامعه می‌دانند و در ادامه به معرفی جوادترین، بخشنده‌ترین و قوی‌ترین افراد اجتماع می‌پردازند.

ز) رضای الهی

در پایان نیز حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به عصاره و ماحصل

کلام خود اشاره کرده که همان رضای الهی است و توجه افراد جامعه را به کسب رضای الهی در عملکرد خود و مواجهه با سایر افراد جامعه جلب می‌کنند.

تأمل در تحولات اجتماعی و پدیده‌هایی که در سطح جامعه معاصر با آن روبرو می‌شویم و نحوه مواجهه و تعامل اعضای اجتماع امروزی با یکدیگر نشان می‌دهد هر جا از این نکات و معارف غنی مستخرج از سیره اهل بیت (ع) بی‌توجهی شده و از آن فاصله گرفته‌شده، وضعیت اجتماع نیز ناسالم بوده و رضایت‌بخش نیست اما در جائیکه موردتوجه بوده و به آن اهمیت شده، اگرچه غیرآگاهانه، نتیجه مطلوبی داشته و حال و وضعیت عمومی جامعه بهبودیافته است. نمونه و مصداقی از این روحیه را در جامعه معاصر، می‌توان در فعالیت‌ها و اردوهای جهادی دید که جوانانی بدون چشم‌داشت مادی و با شور و شوق و رقابت، شتابان برای رفع نیاز و احتیاجات محرومان و مستضعفانی اقدام می‌کنند که حتی از آن‌ها مطالبه‌ای هم نداشته‌اند و اگر همین نسخه گسترش یابد، بسیاری از معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی درمان و بهبود خواهد یافت.

References

Quran.

1. <https://sdh.sbmu.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=130&pageid=254> August 15, 2022
2. Motahari, M. Collection of works of Martyr Motahari, 27 vol., Qom, Sadra, 1997, pp. 437-437. [Persian]
3. Helwani, H. Nazha al-Nazir wa Tanbiyeh al-Khater, research and correction of Imam Al-Mahdi Madrasah Ajllullah Taala Farja Al-Sharif, 1 vol., Qom, Madrasah Al-Imam Al-Mahdi Ajllullah Taala Farja Al-Sharif, Ch 1, 1988, p. 81-82. [Arabic]
4. Arbali, A. Kafsl al-Ghamma fi Marafah al-Imam (T-Al-Qadima), researched and corrected by Hashim Rasouli Mahalati, vol. 2, Tabriz, Bani Hashemi, Ch I, 1962, p. 29. [Arabic]
5. Dailami, H. Aalam al-Din fi Sifat al-Mu'minin, research and correction by Al-Bayt Foundation, peace be upon them, vol. 1, Qom, Al-Bayt Foundation, peace be upon them, first chapter, 1988, p. [Arabic]
6. Al-Marashi Al-Ta'stri, Q. Ihqaq Al-Haq and Izhaq al-Batil, vol. 11, Qom, Ayatollah Al-Marashi al-Najafi, Ch. 1, 1989, pp. 594 and 595. [Arabic]
7. Majlisi, M.B. Bihar al-Anwar, research and correction by a group of researchers, vol. 75, Beirut, Dar Ihya Al-Tarath al-Arabi, Ch II, 1983, pp. 121, 122, and 127. [Arabic]
8. A group of Authors, Encyclopedia of Imam al-Hussein (peace be upon him), vol. 23, Tehran, Educational Research and Planning Organization (Educational Aid Publishing Office), first chapter, 1999, pp. 556 and 557. [Persian]
9. Makarem Shirazi, N. Tafsir al-Nashon, vol. 14, Tehran, Dar al-Kutub al-Islami, 1992, pp. 265 and 18, pp. 401 and 402. [Persian]
10. Saadi, Koliat Saadi, corrected by Mohammad Ali Foroughi, Tehran, Brokchim Printing House, 1941. [Persian]
11. Saduq, M. M. Ayun Akbar al-Reza, peace be upon him, researched and corrected by Mahdi Lajordi, vol. 2, Tehran, Nash Jahan, Ch 1, 1959, p. 24. [Arabic]
12. Noori, H. Mustardak al-Wasail and Mustanbat al-Masal, research and correction by Al-Bayt Foundation, 28 volumes, Qom, Al-Bayt Foundation, 1988. [Arabic]
13. Kalini, M. Al-Kafi, research and correction by Ali Akbar Ghafari and Muhammad Akhundi, vol. 4, Tehran, Dar al-Kutub al-Islami, Ch. 4, 1987, p. 30. [Arabic]
14. Tabatabayi, M. Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, vol. 17, Beirut, Al-Alami Publishing House, Ch II, 1970, p. 94. [Arabic]

The Effect of Social interactions based on Hosseini Culture in Promoting Social Health

Sayyed Roohollah Parhizkari

Abstract

Purpose: In the issue of social health, there is a difference of opinions and some emphasize on the physical manifestations and facilities of health and treatment as a measure of the level of social health, and some consider the role of psychological aspects and the type of behavior in the society to be more effective in the level of the society's health. In the second view, how the interactions and social relations of the members of the society are considered. The upcoming issue is that religious education, which is responsible for the guidance and happiness of mankind, what kind of prescription to improve social health based on the modification of behavior and social interactions?

Method: To complete the grand plan, with a systematic approach to the teachings of the Ahl al-Bayt (AS) in solving the upcoming problem, one step is to refer to the theoretical and practical life of those scholars. In this article, focusing on one of Imam Hussain's sermons and analyzing its content and applying and finding its roots in the Holy Qur'an, some points are taken that paying attention to can increase the level of social health.

Findings: The root points and basic principles that can be discovered from Hosseini's culture and life regarding the issue of meeting the needs of others in social interactions are as follows: a) Haste and preemption in doing good; b) gaining a good name and avoiding a bad name; c) Doing good without expectations; d) Look positively at the requests of others; e) Embodiment Of Deeds; f) Honorable generosity and stinginess humiliating; G) God's pleasure.

Conclusion: Institutionalization of these principles derived from Hosseini's culture, considering the position of Ahl al-Bayt (AS) in Iranian society in general and Hazrat Sayyed al-Shohada (AS) in particular, has a high capacity in increasing and improving the level of social health.

Keywords: Imam Hussein (AS), social interactions, social health, good action.

